

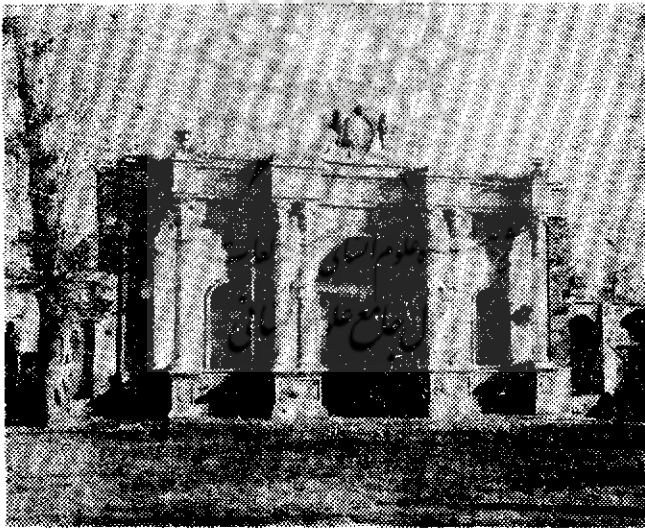
عدل مظفر

وحیدنیا

و

تاریخچه آن

«عدل مظفر» به حساب ایجاد «۱۳۲۴» میشود (عدل مظفر = ۲۰۰ + ۸۰ + ۹۰۰ + ۴۰ + ۳۰ + ۲ + ۷۰ = ۱۳۲۴) و بمناسبت اینکه اعضاء کننده فرمان مشروطیت مظفرالدین شاه قاجار بوده و مشروطیت هم در



سردر مجلس شورای ملی قبل از تعمیرات سال ۱۳۱۳

سال ۱۳۲۴ اعطاء شده است لذا عبارت «عدل مظفر» را که منظور از آن عدل و عدالتخانه ای بوده است که توسط مظفرالدین شاه بملت داده شده انتخاب

نموده و بر سر در مجلس شورای ملی نصب کرده اند و ما تاریخچه کوتاهی از آن در این مقاله می آوریم :

در جلسه پنجشنبه بیست و نهم شعبان ۱۳۲۴ دستخط شاه بمشیرالدوله صدراعظم شرف صدور یافت و عمارت بهارستان برای اجلاس مجلس اختصاص داده شد. در جلسه یکشنبه ۲۲ شوال (۱) لایحه ای از طرف هواخواهان مجلس در اظهار حمایت و تمجید از مجلس و مشروطه قرائت گردید و همان روز لوحه سردر مجلس که بصورت تابلوی مدوری بود و بعنوان «دارالشورای ملی ایران» و «عدل مظفر» رقم شده بود با حضور صمیمیت و باشکوه فوق العاده بر فراز سردر نصب گردید.

تابلو بخط رقاع عالی نوشته شده بود و در چهار طرف آن چهار کلمه: مساوات - موااسات - برادری - برابری را منقوش کرده بودند.

پس از نصب تابلو در جلسه مورخ پنجم شوال مخبر السلطنه و میرزا ابوالحسن خان و جمعی دیگر از اصناف و طبقات مختلف خطابه های ایراد کردند که ذیلامتن نطق دونفر فوق الذکر آورده میشود:

۱ - ناظم الاسلام کرمانی در «تاریخ بیداری ایرانیان» در وقایع روز دوشنبه ۲۳ شوال المکرم نوشته است :

« امروز لوحه سردر مجلس را که به عنوان «دارالشورای ملی ایران» و «عدل مظفر» رقم شده است با صمیمیت و شکوه فوق العاده به میمنت و مبارکی نصب نمودند و لایحه مفصلی هم در هنگام نصب آن قرائت کردند. حاضرین را فرح و سرور بی اندازه دست داده و همه به آواز بلند به سلام و صلوات و دعای به ذات هایون شاهنشاه رطب اللسان بودند ... » تاریخ نوشته ناظم الاسلام خالی از سهو نیست زیرا مجلس هیچوقت روزهای دوشنبه جلسه نداشته است و نصب لوحه همان روز یکشنبه ۲۲ شوال بوده است.

بیانات مخبر السلطنه:

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس بی قیاس مالک الملکی را سزا است که در عقد مصالح جمهور و حل معضلات امور صدر نشین مسند رسالت را با استشارات مأمور کرد و اقامه صلوة و ایثار زکوة را با ایمان بمشورت مترادف ترادف ساخت. صاحبان عنوان آسمانی را نکته (لن یهلك امرء بعد المشوره) نیکو بشارتی است و صاحبان نفوس روحانی را دقیقه (لا سعد من استغنی برأیه) کافی اشارتی. بر اصحاب فطنت و ذکاء روشن هویه است که (من ظاهر بالمشاوره وصل الی الصواب) و بر ارباب کیاست و دها مبرهن و پیداست که (من استبد برأیه هلك و خاب) بشارت باد ایران و ایرانیان را بتوفیقات الهی و توجهات ظل الهی. عدل مظفر عالمگیر شد و کوس مساوات بر بام آزادی فرو کوفتند.

از حد سرخس تا باهواز وز خاک بلوچ تا بکر کر
گراکز گله خود طمع بپیرید فر به نکند ستم بلاغر

دولت کهن را نوبت جوانی رسید و ملت ممتحن را وقت شادمانی، رشته امور که از تار عنکبوت سست تر مینمود قوت حبل متین گرفت و بنیان سیاست که بحوادث ایام تزلزل یافته بود بر اساس شرع مبین نهاده شد. شاهد مقصود اعنی شورای ملی روی زیبا از پرده خفا بدر آورد (فی شرع عبادی الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هدیهم الله والئک هم اولوالالباب.)

بیانات میرزا ابوالحسن خان:

«این باب عدالت است و سعادت. این باب نیکبختی ملت است و ملت بواسطه دخول از این باب ابواب رحمت الله بر ما باز خواهد شد و از این راه ما ملت باعلی درجه سر بلندی و سرافرازی توانیم رسید. شرط مفتوح داشتن این در ترک جانست و سر و بندل سیم است و زور. اجتماع اتحاد و اتفاق احترام غرض و نفاق، دادگر آسمان نظر بر رحمت کامله امر با افتتاح این باب فرموده و دادگر زمین اورا بر روی ما دولتخواهان ملت گشوده داشت. زهی بی انصافی،

زهی بی‌حمیتی اگرما این باب افتخار و اعتبار خود را که در اطراف آن نام غیرتمندان ایران باید ثبت و نقش شود و سالهای سال بیادگار پیاپی بر روی خود بیندیم و آنچه منظور نظر معدلت اثر شاهانه از گشودن این باب بوده مرعی واجرا نداریم.»

عبارت عدل مظفر به حروف ابجد ۱۳۲۴ میشود و انتخاب آن نیز بهمین مناسبت بوده است. بعداً شعرای آن زمان «عدل مظفر» را ماده تاریخ آورده اند (۱) و رباعی زیر از آن جمله است :

عدل مظفر

با سوز و گداز دل پر درد و مکدر

ده سال از این پیش بدین چرخ مدور

گفتم که کی این ظلم به پایان برسانی

گفتا که نویدت بدهد (عدل مظفر)

۱۳۲۴ قمری

جالب آنکه در همین سال شاهزاده عین الدوله نیز از صدارت معزول شده و ادیب الممالک فراهانی شاعر استاد و مدیر روزنامه‌های «ادب» و «مجلس» عبارت «دوغی شد» را ماده تاریخ عزل او در این رباعی آورده است :

چونکه براخیه... میر آخور عشوه هایش همه دروغی شد

ماسر را کیسه کرد و کلک قضا بهر تاریخ گفت «دوغی شد» ۱۳۲۴

در پایان بی مناسبت نمیداند متن فرانسوی نامه و ترجمه آن را که در

(۱) از استاد محیط طباطبائی مسموع افتاد که سلیم قراچه داغی طبیب

محمد ولیخان سپهسالار در اولین سال جشن مشروطه در ماده تاریخ برای مجلس یافته و در یکی از کتاب‌های خود نیز آن را نوشته است. این دو ماده تاریخ

یکی : عدل مظفر و دیگری اتحاد دولت و ملت بوده است.

موقع تجدید ساختمان (۱) سر در فعلی مجلس در زیر سر در سنگی بدست آمده است نقل نماید .

این نامه را (۲) در شیشه کوچکی نهاده و در زیر سر در سنگی دفن کرده بودند ذیل نامه امضای فالی یوس فرانسوی نهاده شده است. نامه و ترجمه آن بدین صورت است :

Cette porte a été construite pour le sepahsalar Aazam mirza Hussein Khan sur les plans et sous leurs directions de l'ingenieur Francais Falius Boital at inauguree le 15 Fevreer 1881 en presnce de la Majesté Nasser ed-din schah ont concuru à cette œuvre .

oustad Ghoulam Maître maçon Mirza ali Eckbar Artiste sculpteur Falius Boital .

ترجمه :

این سر در که برای میرزا حسینخان سپهسالار اعظم از روی گردپیکر و دستور مهندس فرانسوی فالی یوس بواتال ، انجام یافته و در ۱۵ فوریه ۱۸۸۱ در برابر اعلیحضرت ناصرالدین شاه برای ساختمان آن فرمان داده شد بر پستی استاد غلام سر ساختار و سنگتراشی میرزا علی اکبر سر سنگتراش پایان رسید .

فالی یوس بواتال

۱ - تجدید بنای سر در مجلس در بهار سال ۱۳۱۳ انجام شده است.

۲ - اصل این نامه در موزه مجلس شورای ملی منبوط است .